



۲۰۲۱ / ۱۲ / ۵

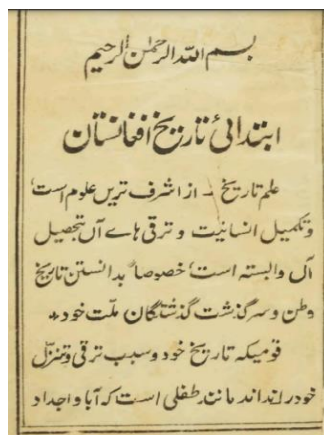
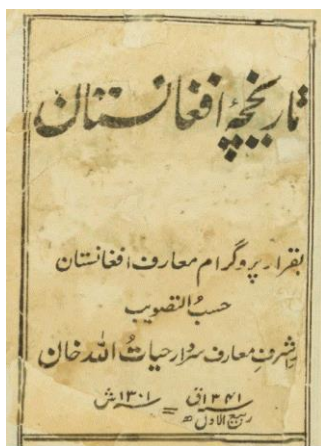
کاندید اکادمیسین سیستانی

## نگاهی گذرا به کتاب درسی تاریخ افغانستان

### در عهدامانی

تاریخچه افغانستان، نخستین کتاب درسی مضمون تاریخ برای شاگردان معارف افغانستان در ۱۸۳ صفحه می باشد که در اوایل سلطنت امان الله خان در سال ۱۳۰۱ خورشیدی زیر نظر سردار حیات الله خان برادرشاه به تصویب رسیده و با خط زیبای نستعلیق خطاطی و طبع شده است.

در این کتاب از علم تاریخ این طور تعریف میشود: «علم تاریخ، از اشرف ترین علوم است و تکمیل انسانیت و ترقی های آن بتحصول آن وابسته است، خصوصاً بدانستن تاریخ وطن و سرگذشت گذشتگان ملت خود. قومی که تاریخ خود و سبب ترقی و تنزل خود را نداند مانند طفلی است که ابا و اجداد خود را نشناسد. باید تاریخ کلانهای خود را بدقت و صحت مطالعه کرده اعمال درستانها را سرمشق خویش ساخته و از افعالی که باعث خرابی آنها گشته اند احتنا بکند.» (ص ۱-۲)



پس از این تعریف موجز و دلچسپ ، تاریخ افغانستان رابعد از اسلام از خلافت حضرت عثمان و رویکار آمدن صفاریان آغاز کرده و تا عهد امانی به تفکیک سلسله شاهانی که بر افغانستان حکومت کرده اند با دقت و با بیان ساده و روان بطور فشرده شرح داده است.

**تادیر نشده باید بگویم که این تاریخچه با آنکه برای صنوف ۳-۵ مکاتب مدنظر**

**گرفته شده بود مگر به لحاظ محتوای خود برابر با تمام اطلاعات تاریخی است که به شاگردان لیسه ها از صنف ۷ تا ۱۲ در مدت ۴۰ سال سلطنت ظاهرشاه درس داده میشد.**

مؤلف کتاب از خود نام نمی برد، اما (درپاورقی صفحه ۱۴۵) پس از ختم بحث امارت سردار نصرالله خان، میگوید بخشی که به عصرشاه امان الله تعلق دارد به سردار عبدالرحمن خان مشاور وزارت خارجه افغانستان سپرده شده تا بنویسد و تا اخیر کتاب نوشته از اوست.

سردار عبدالرحمن خان این سردار عبدالوهاب خان یکی از مشروطه خواهان اول و دوم و کسی بود که بحیث سفیر افغانستان در دهلی ایفای وظیفه میکرد، انگلیسها او را به پیشاور آوردند و بعد زن و اولاد او

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

را گروگان گرفته مکتوب متارکه جنگ سوم را به او دادند تا به کابل برده جواب آن را واپس بیاورد و او این ماموریت را با سواری اسپ در ظرف ده روز رفت و برگشت انجام داد.

سردار عبدالرحمن خان سوانح مختصر کارکرد های سیاسی امان الله خان را از صفحه ۱۴۴ ببعد شرح میدهد و از خیرقتل امیر حبیب الله خان و اعلام امارت سردار نصرالله و اطلاع این حوادث به شهزاده عین الدوله در روز جمعه [دوم حوت ۱۲۹۷] آغاز میکند و پس از اطلاع رسانی این وقایع به رجال ارشد ملکی و نظامی کابل در قصر گلخانه ارگ، توسط عین الدوله و تصمیم عین الدوله مبنی



برخونخواهی از قاتل و متهم کردن عمش در قتل امیر شهید و منطق ترمرد عین الدوله از امارت نصرالله خان و حمایت سران ملکی و نظامی کابل از عین الدوله و رفتن عین الدوله با شمشیر آخته به میان سپاه و شهریان کابل که در پیشروی سلام خانه گردآمده بودند، و ایراد یک سخنرانی آتشین به حضار و تاثیر این سخنرانی بر مردم کابل که با فریاد و صدای همدردی و حمایت از امان الله خان بدرقه میشد، تا صفحه ۱۵۵ کتاب را در بر گرفته است. مولف در صفحات ۱۵۵-۱۷۲، کارهای عمده امان الله خان را در مدت دو سال اول امارتش برمیشمارد و سپس در باره شخصیت و کرکتر اجتماعی امیر امان الله نکاتی را بیان میکند که نسل من و بعد از من تا امروز از آن بی خبر مانده بودیم، بنابراین من آن نکات را در اینجا اقتباس میکنم.

### امان الله در روز اعلان پادشاهی خود

نویسنده درباره امیر امان الله میگوید: «اعلیحضرت امیر صاحب جمیع صفات حسنه را که در وجود یک پادشاه بزرگ لازم است، دارا هستند، مثل: عدالت، رحم و شفقت، سخاوت، شجاعت، خلق خوب، تحمل و بردباری، متصف مزاجی، زحمت کشی، مهربانی، عالی همتی، صاحب عزم بزرگ، بی ساختگی . این چند صفت را که شمردم برای هر کدام یک مثالی می آورم تا بخوبی دانسته شود.

در عدل و داد رسی مظلومان و ستمدیدگان، در زمان شهزادگی بدون اینکه از صبح تا شام غوررسی رعایا و داد رسی ستمدیدگان را می شنیدند، بدیگر کارها هیچ توجه نمی فرمودند و اگر کار دیگری بحضورشان می آوردند به ادارات دیگر میفرستادند و یک امیدواری زیاد مردم بوجود مبارک شان از سبب همین صفت بود و هست. اگر ظالم بر مظلومی ستم کرده باشد و بسمع مبارک شان برسد راحت و آرام را بر خود حرام دانسته تا داد آن مظلوم را بستاند. رحم و شفقت باندازه دارند که اکثر شبها و روزها به تغییر لباس در شهر گردش کرده حال و احوال بیچارگان و غریبان را به نفس نفیس خود معلوم کرده به به نقد و جنس غمخواری حال شان را چنان میفرمایند که خود آنها هم نمیدانند که این گشایش از کجا شد. در سخاوت میتوان گفت که از پادشاهان لک بخش است، سرّاً و علناً به هزارها روپیه و همیانی به مستحقین بذل میفرمایند و به هزارها جریب زمین به مهاجرین و اشخاص

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

واجب الرعايه مرحمت فرموده اند و علاوه بر این تا جایی که محرر این اوراق هذا اطلاع بهم رسانیده در اول سلطنت از نقد و جنس تا یک کرور (یک میلیون) روپیه از عین المال خود بخزانہ مسلماتان [دولت] که بیت المالش میگویند بخشیده و تا امروز که دو سال از سلطنت شان میگذرد معاش خودشان را از مال شخصی خود میکنند، حبه و دیناری از بیت المال بمصرف نرسانیده اند و هر قدر التماس میکنند که از بیت المال یک وجه معینی برای معاش شخصی خود مقرر کنند منظور نمی فرمایند و میگویند تازنده باشم یک حبه و دینار از بیت المال بمصرف شخصی خود نخواهم رسانید تا زحمتی را که برای ملت میکشم و خدمتی را برای دین میکنم مجاناً باشد از همین قبیل قیاس باید کرد. همه این بخشش را که گفتم از عین المال خودشان است نه از بیت المال. در باب حاصل کردن و بمصرف رساندن وجه بیت المال آنقدر به اقتصاد رفتار می کنند که اگر فی المثل یک دینار بیت المال بیجای بمصرف برسد آنقدر بی آرام می باشند که بیننده را بحیرت می اندازد که در یک وجود این دو صفت ضدین چه گونه جمع شده؟ در مال شخصی خود بآن اندازه بی پروا که از درجه سخاوت گذشته و در بیت المال به این درجه سخت گیری دارند که به امساک پهلو میزند. بارها در این باب بحضور شان عرض شده فرموده اند که اختیار مال خود را دارم که بهر قسم بمصرف برسانم اما اختیار مال مردم را ندارم که بخوشی خود ببخشم یا خرچ کنم. در صورتی که ملت بمن اعتبار کرده مرا امین مال خود ها دانسته اند و من اگر در امانت خیانت کنم جواب خدا را چه خواهم گفت؟ بیت المال برای خوش گذارانی پادشاهان نیست بلکه برای حفاظت ملت است باید در راهی بخرچ برسد که در آن فایده و خیر ملت باشد. من برای خوشی خود و شما نمی توانم در قیامت جواب خداوند را بدهم. شجاعت و قوت قلب اعلیحضرت را از وقایع سابق الذکر دانایان اندازه کرده میتوانند حاجت دلیل دیگر ندارد. و خوش خلقی باندازه ی دارند که اگر کسی یک دفعه شرف صحبت شان را حاصل کند تا زنده باشد از خدمت شان جدا شده نمیتواند. بد گفتن و فحاشی در طبیعت شان آفریده نشده، راقم حروف در زمان شهزادگی و در زمان سلطنت همیشه بحضور شان حاضر بوده، ندیده ام که بر کسی برای نفس خود قهر کند و یا بکسی فحش و ناسزا بگوید. با پست ترین خدمتگاران هم بلطف و مهربانی حرف میزنند، گناه و خطائی را که تعلق بخودشان داشته باشد هیچ وقت بر کسی نمیگیرند. صبر و تحمل شان را از واقعه قتل امیر شهید و دیگر نواب آن زمان بخوبی اندازه کرده میتوانید. زحمت کشی شان از درجه طاقت بشری بیرونست؛ بدون از تائیدات خداوندی چیزی دیگر نمیتواند گفت چنانچه در دو سال سلطنت یک روز و هفت ساعت و پنج شب بیکار بوده اند باقی بدون از شش ساعت خواب شب، متصل در تردد کارهای دولت و خدمت دولت مصروف می باشند. اگر احياناً بیکار بمانند میفرمایند آیا در قیامت بحضور خداوند جواب یک عالم اسلام [ملت مسلمان افغانستان] را که چشم امید شان بطرف من می باشد چه خواهم گفت؟ همت عالی اعلیحضرت به آن درجه است که با وجود این همه خدمت که در ترقی ملت افغان کرده اند که میتوان احیا کننده افغانستان خواند و محی الملتش دانست باز هم میفرمایند که افسوس کاری نکرده که بحضور ملت خود فخر کنم. با وجود این همه زحمات بدنی، دماغ را نیز از فکر ترقی و تعالی دولت و ملت آسوده نمی گذارند. بی ساخته گی شان بدرجه ایست که شخص شان بایک سپاهی هیچ فرق ندارد. زینت و نمایشات ظاهری که خاصه

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

پادشاهان مشرق است در حضرت شان مردود و متروک است، اگر در بین مصاحبین و منصبداران حضور نشسته باشند بیگانگان از سبب لباس و غیره فرق کرده نمیتوانند. اما سایه خداوندی چیز دیگری است که چون ماه در بین ستارگان نظرمردم را بطرف خود جلب میکند. صفت آخری اعلیحضرت که از همه افضل است استقامت و پیروی دین حنیف اسلام و پای بندی شریعت غرای حضرت سید الانام است صلی الله علیه و آله واصحابه وسلم... از خداوند برای شاه جوان بخت غازی ما و ملت نجیب شاهانه شان توفیق نیکی و خوبی می خواهیم که تا قیام قیامت نام نیک خودش و ملتش بر صحایف تاریخ عالم با آب زر نوشته باشد و به صفات حمیده و عالی همتی و ترقی ملت و دولت که در مخزن دماغ شاهانه شان می باشد ضرب المثل عالمیان و مقتدی پادشاهان جهان باشند. بحق حق و نبی مطلق آمین ثم آمین زنده باد امان الملة والدین، پاینده باد افغانستان الی یوم الدین.» (صص ۱۷۰-۱۸۳)

بدینسان نکات بسیار مهمی در باره شاه امان الله در کتب درسی عهد امانی وجود داشته که بعد از روی کار آمدن نادرخان و سیاست محو نام و نشان و تصاویر شاه امان الله از کتب و مجلات و نشرات داخلی از میان برده شدند، اما این یکی از آن میان چون افتاب از پس ابر بعد از صد سال درخشید و ما را با محتوای کتب درسی آن عهد بیشتر آشنا ساخت.

در این کتاب نکات جالب دیگری نیز یافتیم که من تا امروز نمیدانستم. مثلاً در این کتاب (ص ۳۴) در باره مدرسه عالمگیریه گفته میشود که اورنگزیب پادشاه مغول ملقب به "عالمگیر" در محله شوربازار مدرسه ای اعمار نمود که بنام مدرسه عالمگیریه یاد میشود. بعدها این مدرسه روبه ویرانی نهاد و علیا حضرت مادر امان الله خان آنرا دوباره از پول شخصی خود اعمار کرد و از آن ببعد بنام مسجد علیا شهرت یافت.

در مورد شهر جلال آباد در این تاریخ (صفحه ۳۱) گفته میشود که جلال الدین پسر پیر روشن رهبر جنبش روشانیان در قرن ۱۷ بانی شهر جلال آباد است.

در اخیر از آقای رحمت آریا باید سپاسگزار ی نمود که این نسخه نایاب را در پورتال افغان جرمن گذاشتند و این امکان را میسر ساختند تا علاقمندان آنرا مرور کنند و از محتوای آن سود بجویند.

پایان

---

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنی د لېکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ